

«بسم الله» جزء ابن سوره و یکی از هفت آیه آن میباشد، چنانکه اجماع بر جزء بودنش ادعا و نقل شده، کلمه «الله» و «الرحمن» و «الرحیم» دو بار آورده شده. کلمه ضمیر خطاب منفصل (ایاک) و کلمه «صراط» و غیر اینها دو بار یاد گردیده است. جمله حصر بصیغه خطاب متکلم مع الغیر دو بار گفته شده. دور ماندگان از انعام دو دسته شده اند. هدایت دو بار خواسته شده. تربیت یکبار بلفظ خود و باز دیگر بعنوان هدایت آورده شده. استقامت یکبار بصراحت و یکبار در ضمن مثل و بطور التزام یاد شده. عالم آخرت (یوم الدین) یکبار صریح و یکبار در ضمن عموم کلمه «العالمین» اشعار شده. اختصاص حمد بخدا یکمرتبه بطور صریح و باز دیگر بوسیله حصر عبادت و استعانت فهمانده شده. جامع بودن خدا همه صفات کمال را یکبار بطور اجمال بلفظ «الله» و دیگر بار بطور تفصیل بکلمات «رب العالمین» و روادف آن اعلام شده. مبدء کل بودن خدا دفعه ای بکلمه «رب العالمین» و دفعه دیگر بحصر استعانت از ذات او گوشزد شده.

مرجع کل بودنش بکلمه «مالک یوم الدین» و حصر عبادت که رفتن بسوی حق و نزدیک شدن بمقام قرب او میباشد بیان شده.

سائر شئون کلمات و جمل و مقاصد این سوره شریفه نیز بر همین روش تا کدو تکرر یافته است.

پس بطور خلاصه باید گفت تنها سوره ای در قرآن که هفت آیه و بدین اسلوب باشد سوره فاتحه است چه جز سوره «معاون» سوره ای دیگر در قرآن هر کس از هفت آیه نیست و آن بر این اسلوب نمیشود بلکه بطور اطلاق تنها سوره ای که دارای این مزایا باشد همین سوره است از اینرو شایسته بوده است که نام **سبع المثانی** برای آن برگزیده و انتخاب

و این سوره باین نام 'یاغیث' و معروف شود ۱ \*

## ام الكتاب

از دانشمندان عامه و خاصه در بیان توجیه  
و تعلیل وضع نام ام الكتاب (یا ام القرآن) برای

این سوره تحقیقاتی رسیده است ۲ که در ذیل آنچه در وجه تسمیه اش  
بنام 'فاتحه الكتاب' از محمد عبده نقل شد نمونه ای از آن بدست آمد  
اینک نیز یکی دو وجه دیگر در این موضع آورده میشود :

ابوالتوح رازی در طی اقوالی که در این زمینه نقل کرده و همانها را  
امام فخر رازی در تفسیر کبیر خود آورده چنین گفته است :

'وقولی دیگر آنست که امش برای آن خوانند که مجمع علوم  
و فضائل است چنانکه در خبر آمده است از رسول علیه السلام که گفت  
خدای تعالی از آسمان صد و چهار کتاب بفرستاد آنکه گفت از آنها  
چهار اختیار کرد و علوم آن صد کتاب جمع کرد و در آن چهار کتاب  
نهاد و آن توریة و انجیل و زبور و قرآن است آنکه علوم و برکات قرآن  
جمع کرد و در سورة 'مفصل' نهاد آنکه علوم و برکات و ثواب 'مفصل'  
جمع کرد و در 'فاتحه الكتاب' نهاد و هر که فاتحه الكتاب بخواند چنان  
باشد که صد و چهار کتاب بخوانده' <sup>الباقی</sup>

صدر المتألهین در زمینه جامع بودن سوره فاتحه مطالبی که بیشتر  
از آنها از تفسیر امام فخر گرفته شده آورده است در اینجا قسمتی از  
عبارات صدر المتألهین را که باین موضوع مربوط است برای زیادت

- ۱- این وجه اخیر که بنظر اینجانب رسیده است شاید از همه وجوهی که بنا بر استعمال  
سیم گفته شده انسب باشد بویژه اگر نام این سوره «سبع المثانی» باشد نه «السبع  
المثانی» چنانکه و جهش بر اهل دلت پوشیده نخواهد ماند.
- ۲- از جمله، امام فخر رازی در تفسیر کبیر پنج سبب برای آن ذکر کرده است.

فائده بطور تلخیص و ترجمه نقل می کنیم :

« از جهات فضیلت سوره فاتحه یکی این است که آنچه در شناختن مبدء و معاد و وسط مورد نیاز انسان میباشد در این سوره موجود و این سوره جامع آن است پس « الحمد لله » با ثبات صنایع مختار، علیم، حکیم و جزاوار حمد و تعظیم اشاره دارد و « رب العالمین » بر یگانه بودن صانع و اینکه هم عالم خلق و هم عالم امر از او است و جز او خدائی نمیباشد دلالت می کند بعلاوه چون ربوبیت او خود نیز یکی از نعمتهای بزرگ الهی است پس دلالت دارد که از این منعم کریم و رحمن رحیم که هم پیش از مرگ و هم پس از آن رحمت و انعامش شمول دارد هیچکس بحمد و تاسوا و اتر و مستحق تر نیست و « مالک يوم الدين » بر حکمت و رحمت او مشعر میباشد چه از لوازم حکمت و آثار رحمت این است که پس از این جهان روز بر او مقدر فرماید که نیکان و بدان از هم ممتاز گردند و انتقام ستمدیندگان از ستمکاران باز گرفته شود و « ایاک نعبد » اشاره دارد بآنچه در راه عبودیت شناختنش لازم میباشد و آنها بر دو گونه است :

۱- اعمال  
 ۲- احوال آناری که از اعمال پدید می آید

اعمال دارای دور کن است :

۱- بر ممتن  
 ۲- دانستن اینکه پرستش جز بیاری خدا امکان نپذیرد.

رکن نخست بجملة « ایاک نعبد » و دوم بجملة « و ایاک نستعین » فهمانده شده است.

و اما احوال یعنی آناری که از اعمال سر چشمه میگرد و از ممتن عات

آنها محسوب می گردد عبارت است از حصول هدایت و آراسته شدن باخلاق فاضله ، که میان دو طرف افراط و تفریط ، واقع و بین این دو راه منحرف ، راهی مستقیم میباشد و بدین قسمت بآیه « اهدنا الصراط المستقیم » اشاره شده . و جمله « صراط الذین انعمت علیهم » ، براینکه استثناءه و پیروی از ارباب کمال و اهل حق خصلتی است ستوده و شیوه ای است پسندیده ( چه پیروان و همنشینان آنان هیچگاه بدبخت نشوند که « ان کنتم تحبون الله فاتبونی بحبیبکم الله ) دلالت دارد . و کلمه « غیر المغضوب علیهم ولا الضالین » می رساند که دوری از اهل باطل و اصحاب بدعت و مردمان هوی خواه گمراه امری است لازم ، چه :

« الْجَمْرُ يَوْضَعُ فِي الرِّمَادِ فَيُحْمَدُ فَكُلُّ قَوْمٍ بِالْمُقَارِنِ يَقْتَدِي »

و باز صدر المتألهین آورده است :

« دانسته باد که اگر کسی سعادت حقیقی که قلب آهنین انسانرا از زرناب میسازد و همه گونه شرافت و گرامت برای وی ایجاد میکند باید از اموری باشد که از سوی خدا بر قلب بشری نزول یافته باشد و هم باید از قبیل آنچه در خزائن اسرار انبیا و کتب مقدسه آنان وجود یافته است باشد پس در حقیقت ، دعوت پیغمبرار ، عنایتی است که بشر را بسر منزل سعادت می کشاند ، و لباب و روح رسالت هفت امر میباشد : چهار امر از آنها باسرار مبدء مربوط و دو امر بعالم وسط ، متعلق و امر هفتم بمعاد و نشأه آخرت مخصوص است . »

آنکه چهار امر مربوط بمعبدء را که شناختن خدا ، فرشتگان ، کتب و رسل او باشد و دو امر مربوط بعالم وسط را که معرفت اصل

عبودیت و شناختن مرتبه کمال آن یعنی پناه بردن بخدا و باری جستن و آمرزش خواستن از وی باشد و شناختن و چکومگی رجوع بخدا را که راجع بمعاد باشد یاد کرده و آیات آخر سوره بقره را ۱ که از لحاظ فضیلت به سوره فاتحه تشبیه شده و هم آیات سوره فاتحه را بر این هفت امر تطبیق کرده و بدین گونه جامع بودن سوره فاتحه را بر همه اغراض و مقاصد قرآن مجید روشن ساخته است .  
باز گفته است :

«باب اسفی، و مقصد اقصی، از قرآن و نزول آن این است که مردم هدایت یابند و بخدا نزدیک شوند و مکمال و کرامت فائز شوند و این مقصد از این راه به حصول آید که نفوس بشر با نور معرفت و حکمت آراسته گردد و از بندهای عالم طبیعت آزاد شود و نیروی غضب، شهوت و همرا، که راههای باطنی برای نفوذ شیطان است در انسان، زیر نظر گیرد و بفرمان خویش آورد و خوبشتر را از بلیندی و کشتافتهای عنصریات پاکیزه سازد و از نیرنگهای شیطان و دستیاران داخلی و خارجی او نجات دهد .  
قرآن مجید بر عظام و اصولی از معرفت و حکمت مشتمل است که سابقان و لاحقان از ادراك آنها عاجزند و لطائف و ابواب شریعت و طریقت بعدی در آن گنجانده و آورده شده که کتب متقدمان و متأخران از آنها خالی و بی بهره است .

«قرآن در نظر ارباب کشف و شهود از لحاظ جامع بودن بعین مانند عالم وجود است چه عالم وجود و تکوین از راه هیئت و نظام خود و از باب اشتمالش بر مظاهر صفات جمال، چون فرشتگان و مجردات، و بر مظاهر

صفات جلال، از قبیل اجسام و مناسبات آنها، بر وجود ذاتی بیهمتا، که زمام عالم خلق و امر بدست او می باشد، دلالت دارد قرآن نیز بهمین گونه جامع و بر اثبات ذات حق دلیلی ساطع و برهانی قاطع است.

نسبت - سوره فاتحه بقرآن مجید مانند نسبت انسان، که عالم صغیر است می باشد بمجموع عالم، که انسان کبیر است، و چنانکه انسان کامل کتابی است موجز و نامه ایست منتخب بدین معنی که هر چه در کتاب کبیر و نامه جامع (یعنی عالم که هیچ رطب و یابسی از آن بیرون نه و هیچ کوچک و بزرگ و خرد و کلانی نیست که در آن بشمار نیامده باشد) میباشد در انسان کامل نیز موجود است که گفته شده:

من کل امر لیه و لطفه مستودع فی هذه المجموعة .

ای آینه جمال شاهی که توئی وی نسخه نامه الهی که توئی بیرون ز تو نیست آنچه در عالم هست از خود بطلب هر آنچه خواهی که توئی

همچنین سوره فاتحه الکتاب با همه و جازت و اختصارش بر همه مقاصد و انوار و اسرار قرآن مجید مشتمل میباشد و هیچیک از دیگر سوره های قرآن را چنین جامعیت و کمالی نصیب نکرده است.

عارف محقق از این سوره جمیع معارف کلی و اصول علمی را که در آیات و سوره های قرآن مجید منتشر می باشد درمی یابد.

کسی که این سوره را چنان ادراک نکند که عمده اسرار علوم الهی و معالم ربانی را، از قبیل احوال مبدء و معاد و علم النفس، که خود مفتاح و مبدء همه علوم است، از آن بشواید استنباط کند پس بحقیقت